



سر دبیر : بابک سراج

مسئولیت مطالب مندرج در نشریه بر عهده نویسنده است و نشریه سازمان هیچ مسئولیتی در قبال آنها ندارد.

شماره ۱ نهم فوریه ۲۰۱۷

نشریه سازمان پناهندگان ایرانی - بیمرز

### در پشت مرزهای پناهجویی

هیرش مجیدنیا

صفحه ۳

### مصاحبه با یک دو جنگرای ایرانی

صفحه ۴

### مهاجرت سفری ناخواسته

پردل زارع

صفحه ۵

### اقتصاد بیمار در سایه اختلاس

آرام دل توانا

صفحه ۶



## جهان بیمرز

بها لیلی

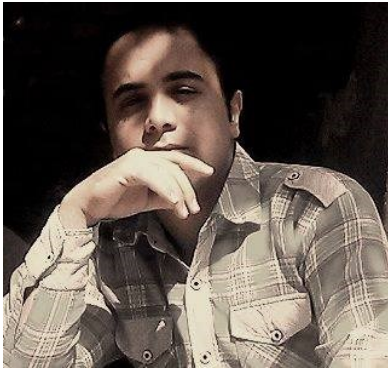


جهان بیمرز همانند رویایی برای بسیاری از روشنفکران و آزادی طلبان جهان تبدیل شده است. جهانی که در آن مرزهای ساختگی دست بشر که تجاب و خاطرات دوران بربریت را حمل می کنند از بین روند. خلق دنیایی نو با اصول و مکانیزم جدید را برپا کنند. جهانی که در آن یک قانون بین المللی و یک پلیس بین المللی برای زندگی راحت تر بشر وجود داشته باشد و آزادی او را در بر بگیرد. بسیاری بر این عقیده اند که بر اساس این مدل جنگ و جدالی به وجود نمی آید و رفاه مردم بیشتر خواهد شد. آیا این مدل قابلیت اجرایی را دارد مشکلات و موانع موجود بر سر راه این تفکر چیست دلیل کاهش بخت روزافزون آن در جوامع امروز چیست و چرا دستیابی ما به آن هر روز کاهش میابد؟

مرز از دیدگاه سیاسی به معنای حاکمیت عده ای بر محدوده ای خاص جغرافیایی است. که به واسطه آن منافع خود را حفظ می کنند. مدافعان این تفکر در حقیقت جناح های راست و افراطی جامعه هستند. بایستی این نکته را بیان کرد به قدمت تاریخ بشر بسیاری از جنگ ها و مشکلات به وجود آمده که جان هزاران نفر را گرفته است بر گرفته از مشکلات مرزی ما

ادامه صفحه بعد

## جهان بيمرز



روزهای حاکمیت خود بر سورین پرچم سه رنگ فرانسه را پایین انداخته و پرچم‌های سرخ و سیاه را به نشانه آرمان نارشسیسم و مارکسیسم انقلاب خود در سورین به اهتزاز درآوردند. و پیشگام انقلابی شدند که با همه کاستی‌ها اصلاحات زیادی را برای اکثریت جامعه خصوصاً کارگران در نظر گرفت. قیام بر ضد سنت مذهب و افراط‌گرایی در جهت خلق دنیایی جدید به راه انداختند. که با همه محدودیت‌ها در مقابل ارتش دوگلد ایستاده‌گی کردند. ما وارثان این جریان امروزه در مقابل جناح راست و افراطی جامعه قرار گرفته ایم. جناحی که با استفاده از تمامی امکانات خویش تلاش خواهد کرد تا نظم موجود را حفظ و یا به نفع خود تقویت کند. پس ما بایستی در مقابل صحبت‌های امروز مارین لوپن (زنگ تفریح مهاجران غیر قانونی تمام شده است) ایستاده‌گی کنیم تا بتوانیم دین خود را به حرکت انقلاب دانشجویان و کارگران ادا کنیم. با نگاهی اجمالی در میان جوامع می‌توان تغییرات موجود در سطح دول اروپایی آمریکا و خاورمیانه را به خوبی مشاهده کرد. تغییراتی که هدف رشد و تقویت مرزها از جانب ملی‌گرایان است. در داخل این مرزهای جغرافیایی سانسور شکنجه تبعیض و بی‌عدالتی از جانب دولت وجود دارد. اما با رشد جامعه جهانی بيمرز و نهادهای فرامرزی و همبستگی جهانی ملت‌ها از قدرت دولت‌ها کاسته خواهد شد و مرزها روز به روز کم‌رنگ‌تر خواهند شد و در گهواره مرزها و تفکر کهن نوزاد جهان بيمرز رشد خواهد کرد. بر اساس نگاه من ما یک قدم عقب افتاده ایم قدمی که می‌توان به خوبی آن را جبران کرد. زیرا در میان جوامع پیشرفته خصوصاً ملی‌گرایی در حال رشد است نئونازی سعی در تسلط دوباره بر اروپا و جهان را دارند. امکانات ما در مقابل جهان سرمایه‌داری و آنها بسیار ناچیز است ولی ما پیروز خواهیم شد چون حق با ما است. در نهایت جهان بيمرزم آرزوست

بهالیلی

خواهد رفت. همانند بسیاری از حرکت‌های ملی‌گرایانه امروز در سراسر دنیا که بنیان و ریشه آنها به دوران بربریت و جاهلیت انسانها باز خواهد گشت. با نگاهی اجمالی به وقایع امروز جهان می‌توان به خوبی مشاهده کرد که ملی‌گرایی در تمامی نقاط جهان در حال رشد است. حوادث اتفاق افتاده در پاسارگاد ایران انتخاب ترامپ پیروزی حزب استقلال در بریتانیا جنبش پنج ستاره در ایتالیا و بسیاری دیگر در نقاط مختلف جهان برگرفته از تفکرات ملی‌گرایانه است. پس بایستی این را در نظر داشت که این هویت و اصل ملی چیست و از کجا نشأت گرفته است. هویت ملی اکثراً از جانب طبقه حاکم در مواقع لزوم و هنگام به خطر افتادن جایگاه خویش تبلیغ می‌شود و در مقابل هیچ‌گونه امتیاز برای شهروندان از لحاظ رفاه و آسایش را در پی نخواهد داشت. پس ملی‌گرایان و جناح‌های راست جامعه از مخالفان جهان بيمرز هستند و باین الفاظ ملی‌گرایانه هر روز بر ثروت و قدرت خود خواهند افزود.

بعضی از جامعه‌شناسان بر این عقیده‌اند که عدم وجود مرز باعث از بین رفتن نظم حاکم بر جامعه می‌شود و تلاطمی را از لحاظ جامعه‌شناسی و روان‌شناسی ایجاد خواهد کرد. بایستی پرسید این نظم چیست. منافع و سود آن شامل حال چه کسانی می‌شود. آیا تمام جامعه را در بر می‌گیرد و رفاه عمومی را حاکم می‌کند. در جواب این سوال می‌توان این را بیان کرد که تمامی این تز و تفکر که می‌توان به آنها تفکرات درباری گفت که برای نشان دادن نتایج حاصله آن هیچ نیازی به داده و ارقام نیست و جواب آن را می‌توان در سطح جوامع امروزی که برگرفته از مرز است را کاملاً مشاهده کرد. جهانی که منافع سود و رفاه آن تنها شامل حال عده‌ای از افراد جامعه می‌شود و اکثریت آن در بدترین شرایط ممکن به سر می‌برند پس آری ما خواهان از بین رفتن این نظم و خلق نظام جدید هستیم نظامی که تمامی افراد جامعه را در برگیرد و اگر این نظم از دید بعضی از جامعه‌شناسان بی‌نظمی است آری ما خواهان آن بی‌نظمی هستیم.

در آخر بیان این نکته بسیار حاضر اهمیت است جهان در حال تغییر و ایجاد نظم جدید است. این پوست انداختن جهان را به خوبی در سطوح مختلف جامعه می‌توان مشاهده کرد. در این میان نبرد ما برای تغییر این سیستم و نظم در جهت رفاه و آسایش تمامی افراد و ساکنان جهان است. ما وارثان جنبش دانشجویی و کارگری در فرانسه هستیم. که در

بین دول همسایه بوده است. همیشه بسیاری از کشورها به دنبال افزایش و وسیع کردن مرزهای خود هستند. این خود باعث درگیری‌ها و کشتارهای بیشتر در سطح جهان می‌شود. در جهان بيمرز ما شاهد کاهش و از بین رفتن جنگ‌ها مابین دول هستیم. براساس تعاریف امروزی در این جهان دولت و حکومت ارزش خود را از دست می‌دهند. در نهایت باعث زیان مادی فراوان به کارخانه‌ها و کمپانی‌های تولید سلاح می‌شود. گردش مادی در این بخش سالانه به میلیاردها دلار می‌رسد. بنا به آمار سالانه، آمریکا ۶۵۰ میلیارد دلار از درآمد ملی را خرج اسلحه می‌کند. با این مبلغ می‌توان تمامی آفریقا را آبیاری و آبرسانی کرد و با استفاده از کشاورزی حاصله مردم را از فقر نجات داد. خلق چنین جهانی مشکلات جدی را برای سرمایه‌ها به وجود خواهد آورد ثروتی که با زحمت و مرگ میلیون‌ها انسان بدست آورده‌اند. پس با تمام توان خود در حفظ این سرمایه مقاومت خواهند کرد. می‌توان این را بیان کرد که حکام و صاحبان سیستم سرمایه‌داری از مخالفان جدی و اولیه جهان بيمرز هستند چون باعث به خطر افتادن منافع خود خواهد شد. در نهایت تمامی سیستم‌ها و تعاملات مادی در سطح جهان که بر اساس گردش مادی در سطح بین‌الملل است از مخالفان چنین جهانی هستند.

ادیان و جوامع دینی همیشه در فکر افزایش قلمرو خود هستند و این حالت را به خوبی در ادیان ابراهیمی می‌توان دید. تفکرات برگرفته از دین و ادیان در سیر تاریخ برای جوامع مرز را تعریف کرده‌اند. این مرزها باعث حاکمیت عده‌ای بر اساس قوانین تعریف شده دین است که در این میان منافع عده‌ای را برای حکام و دین به همراه داشته است. پس دین و حاکمان دینی را در مقابل جدی تفکر جهان بيمرز دانست چون زنگ خطری برای منافع خود میدانند.

ملی‌گرایان و ناسیولیست‌ها در هر جامعه‌ای بر این عقیده هستند که عدم وجود مرز باعث از بین رفتن بنیان جامعه می‌شود و در آن اصول قومی و طایفه‌ای جامعه نادیده گرفته خواهد شد. این خود باعث از بین رفتن اصل و اصالت افراد می‌شود. هویت تاریخی و ملی افراد نادیده گرفته می‌شود و به مرور از بین

## در پشت مرزهای پناهجویی:



هیرش مجیدنیا

پدیده پناهجویی و موج عظیم مهاجرت پناهجویان در سالهای اخیر به دلیل وجود جنگ، کشتار و ناامنی در کشورهای مذهب زده خاورمیانه و آوارگی میلیونی ساکنان این کشورها و فرارشان از نکبت جنگ و تباهی، تبدیل به مساله ای ملموس و شناخته شده برای بشریت امروز شده است. میلیونها انسان وحشت زده و مبهوت از وقایعی که خارج از اراده آنها توسط بورژوازی و حکومتها و دسته جات اسلامی در جغرافیای زندگی شان اتفاق می افتاد، ناچاراً تمامی گذشته و تتمه زندگی شان را در یک کوله پشتی جا دادند و راه رسیدن به کشور و مکانی امن را با گذار از مرزها و قبول ریسک غرق شدن در دریاها را درنوردیدند. به این امید که شاید بتوانند زندگی آرام و شرایطی امن بدور از کابوس مداوم جنگ، بمباران، اعدام و شکنجه داشته باشند. واژه "مرز" قبل از اینکه کلمه ای برای تعریف یک محدوده خاص جغرافیایی باشد، واژه ای است که بار معنایی سنگینی برای بیان وضعیتی است که میلیونها بشر را در درون خویش محصور و گرفتار کرده است. و انسانها در همان قالب محدود مرزی، نژادی و مذهبی توسط نمایندگان ایدئولوژی بورژوازی جدا و تعریف میشوند. پناهجویان به محض ورود به کشورهای اروپایی با مشکلات عدیده ای مواجه می شوند که در مورد این معضلات اطلاعی نداشته اند. مشکل یادگیری زبان کشورمیزبان، هماهنگی با فرهنگ و قوانین سخت مهاجرتی، انتظار طولانی میان دوران یاس و امید در پروسه پناهندگی، کابوس دیپورت شدن و موج راسیسمی که گاه و بیگاه از لابه لای اخبار رسانه ها و مدیاهای سرمایه داری رو به آنها انعکاس می یابد. در این میان تشدید فاندانمنتالیسم و بنیادگرایی از نوع مذهبی و نژادی که دلیل بازتولید شدن آن بازخورد و تجلی مادی سیاست هایی است که سرمایه

جهانی در تعامل و برخورد با پدیده پناهجویی آنرا پیرو می کند. زنفوبیا و بیگانه هراسی، راسیسم و گسترش یافتن نفرت های قومی، مذهبی و نژادی که بدلیل فعالیت و تبلیغات جریانات دست راستی و در یک کلام به علت وجود این پدیده ها گاهها قربانیان همین تفکرات انسان ستیز بدلیل احساس تحقیر و سرخوردگی به آشخوره های آلوده همان سنتهای بنیادگرایی مذهبی و قومی خودی پناه می برند، در صورتیکه می بایستی تمامی پناهجویان با درک موقعیت مشترک و شناخت دردهای مشترک شان بعنوان پناهجو و انسانهایی که دارای دردهای مشترک هستند، متحدانه در جهت تحقق خواستها و مطالبات انسانی شان متحد و متشکل شوند. متأسفانه وجود دسته بندی های کذابی و مسمومی که بصورت تعصبات مذهبی، قومی و نژادی در میان تعدادی از پناهجویان شکل میگیرد، مانعی جدی برای متحد شدن آنهاست. تقسیم بندی پناهجویان بصورت گیت وار توسط سنتها و تفکرات دکماتیکی که آنان را به عنوان: افغانی، ایرانی، کرد، عرب و آفریقایی تعریف میکند منجر به بروز مشکلات عدیده ای در زندگی و اتحاد پناهجویان میشود. وجود سیاستهای بورژوازی و مصلحت اندیشی سیاست مداران حوزه سرمایه جهان، ادامه جنگ و تکرار سناریوهای سیاه را باز تولید میکند. قربانیان اولیه این سیاستهای سرمایه داری کودکان و مردم سیویل ای هستند که گوشت دم توپ جنگها و نزاع های قومی و مذهبی جریانات مافوق ارتجاعی میشوند. تصویری که از جهان امروز پیش روی ما است این واقعیت را اثبات میکند که نظام بورژوازی جهانی بی کفایت تر از همیشه در جنگ افروزی و میلیتاریسم کور خود، زندگی و کرامت انسان امروزی را قربانی مالکیت خصوصی و حرص و آز برای انباشت سرمایه میکند. عروج و بازتولید ناسیونالیسم، فاندانمنتالیسم مذهبی و قومی و نفرت پراکنی علیه انسانها به جرم جنسیت، نژاد و قومیت دقیقاً بازخورد عملی و ابژکتیو مناسبات سرمایه داری است که برای استثمار و بهره کشی از



گرده بشریت این مفاهیم تفرقه افکنانه را روزانه به یاری مدیاهای وابسته "ساحت مقدس سرمایه" بازتولید میکند، و رو به افکار عمومی پمپاژ میکند. در واقع سیاست پناهجو هراسی و بیگانه ستیزی قبل از اینکه ناشی از برخورد شخصی افراد مشخص و معدودی باشد، واکنش و تاثیر پذیری آنان از سیاست کلانی است که بن مایه های فکری اش را از تبلیغات و پروپاگندهای ابزارهای روبنایی سیستم سرمایه میگیرد و از آن ارتزاق فکری میکند. ژست پوشالی حکام سرمایه در مواجهه با معضلاتی که بشریت امروز با آن روبرو است، به روشنی نشانگر دهشتناکی واقعیات وسیه روزی هایی است که آنان بر زندگی و شادی انسانها تحمیل کرده اند. در واقع بایستی این محدوده ها و مرزهای تصنعی ای که مشخصاً بر زندگی پناهجویان بصورت ملموس سنگینی میکند را شناخت و برای تغییر بنیادین آن تلاش کرد. روزنه و بارقه های روشن و امید بخشی که در چشمان کودکان وحشت زده از جنگ، تباهی، ویرانی و کشتار و آوارگی به چشم میخورد را بایستی بصورت بالفعل به نیروی تغییر این جهان وارونه تبدیل کرد. تغییری که نیرو و پتانسیل فراوان آن در میان خیل عظیم ستم دیدگان و پایمال شدگان نظم وارونه سرمایه وجود دارد، اکثریت فراموش شدگانی که چیزی برای از دست دادن ندارند. لازمه رسیدن به این اهداف انسانی قبل از هرچیز اتحاد و همبستگی و سازماندهی پناهجویان حول یک سیاست مشخص و شفاف برای تحقق خواستهای برحق و انسانی آنهاست. سازمان سراسری پناهندگان ایرانی-پی مرز، برای این رسالت عظیم و انسانی در دفاع از حقوق انسانی پناهجویان را مبارزه و تلاش میکند. به امید دنیایی عاری از جنگ، مرزو استثمار و خشونت.



## مصاحبه با یک دوجنسگرای

### ایرانی

شما يك دوجنسگرای ایرانی هستید، این یعنی چه؟

من مهرداد همتی یک دوجنسگرای ایرانی هستم. یعنی به هر دوجنس گرایش جنسی و عاطفی دارم

چطور شد که دوجنسگرا شدي و از درون گرایي به یک فرد برون گرا در جامعه تبدیل شدید و هویت اصلی خود را نمایان کردید؟

من یک سوال از شما میپرسم شما از کی بزرگ شدید؟ مسلماً جوابی ندارید چون حسی است که هر روزه آن را تجربه میکنید گرایش جنسی هم همین گونه است ما در انتخاب آن هیچ دخالتی نداریم و از بدو تولد با ما بوده و هر روز آنرا حس میکنیم و برای زندگی بهتر و آزادی های شخصی خودم آشکار سازی کردم تا بتوانم بگویم من یک دوجنسگرا هستم و وجود دارم من را انکار نکنید

بیشتر مردم دنیا، لاقول آنطوري که دیده مي شود، مثل من هتروسکشوال (دگرجنسگرا) هستند، یا دست کم اینطور ادعا مي کنند. وقتی من از شما این را مي پرسم، منظورم این هست که چرا با دیگران و اکثریت جامعه، تفاوت داري؟

در هر جامعه بین 5 تا 10 درصد افراد همجنسگرا و دوجنسگراو.. هستند و تفاوتی بین همجنسگرایان و دیگر افراد جامعه نیست تنها تفاوتی که هست گرایش جنسی است و هر شخص گرایش جنسی خاصی دارد و همجنسگرایی یک گرایش جنسی طبیعی است و ما هیچ فرقی نداریم با دگرجنسگرایان

در بسیاری از جوامع دینی همانند ایران این تفاوت شما را به رسمیت نمی شناسند، یعنی همجنس گرایی به عقیده آنها، که برگرفته از شریعت است، يك انحراف و یا اشتباه یا بیماری است شما چگونه فکر می کنید؟

دوباره میگویم همجنسگرایی گرایشی طبیعی است و اکتسابی است و بیماری محسوب نمی شود و این طرز تفکر پر گرفته از جامعه ای مریض گونه است

به نظر شما تحقیقات علمی، این را ثابت کرده که همجنسگرایی و یا دوجنسگرایی انحراف نیست؟ بیماری نیست؟

خیر به طور دقیق و صد در صد اما تا حدودی موفق بوده تحقیقات

در ایران، به شما به عنوان يك دوجنسگرا چگونه نگاه مي شد و دید مردم که برگرفته از تبلیغات نظام است چه تاثیری بر زندگی شما گذاشته است؟ دوست دارم که مثالهایی ملموسی از برخورد مردم ایران با همجنسگرایان در خانواده، کوچه و خیابان را برای نمونه بیان کنید؟

دولت ایران همجنسگرایان را از خدمت سربازی معف کرده که

این بزرگ ترین توهین است یعنی ما انقدر مرد نیستیم که بتوانیم به خدمت سربازی برویم همچنین ما هیچ گونه آزادی نداشتیم و حتی قدم زدن بدون استرس در خیابان ترد شدن از خانواده و جامعه در هیچ مکانی به ما کار داده نمی شود همیشه ما را با کلمات توهین آمیز مانند کونی ابنه ای و....

مشکلات و معضلات اجتماعی و قانونی همجنس گراها در ایران را توضیح دهید و از دید شما راهکار شکل گیری یک جامعه انسانی که حقوق تمامی افراد در آن رعایت شود چگونه و مشکلات جوامع امروزی خصوصاً دینی خاورمیانه جهت رسیدن به این آرمان چیست؟

آموزش صحیح و کامل در رابطه با جامعه lgbt به تمامی افراد کشور که این کار باید از سنین کم انجام شود مثلاً در مدارس و باید دولت ها دولت های سکولار باشند که دین در سیاست هیچ دخالتی نداشته باشد و قوانینی در راستای حمایت از جامعه LGBTQAIP تصویب شود و به طور کامل انجام گیرد

در سالهای اخیر ناملایمتی های بیشماری نسبت به همجنس گرایان و یا دوجنسگرایان در دول مختلف صورت گرفته که در بسیاری از موارد به مرگ آنها انجامیده و متأسفانه با سکوت رسانه ای رویه رو شده اند به نظر شما این تبعیض نشات گرفته از چیست؟

متأسفانه تبعیض جنسی و جنسیتی در تمام مکان های دنیا وجود دارد و این غیر قابل انکار است و هنوز در جوامع پیشرفته هم توده مردم نسبت به همجنسگرایان و دوجنسگرایان حس تنفر دارند و این دلیل اصلی حمایت نشدن است

در نهایت دلیل اصلی از مهاجرت یک همجنس گرا و شرایط پناهندگی آنها در دول اروپایی چگونه است؟

دلیل اصلی مهاجرت یک همجنسگرا یا دوجنسگرا نبود آزادی های فردی است و نداشتن حق زندگی و ترد شدن از طرف خانواده و جامعه به دلیل نبود اطلاعات کافی در جامعه مریض ایران شرایط پناهندگان lgbtqaip بسیار سخت است چون آنها را در کمپ هایی اسکان میدهند که اکثر افراد دگرجنسگرا و مذهبی و هموفوب (نفرت از همجنسگرایان) هستند. و این شرایط برای افراد جامعه LGBTQAIP بسیار سخت است چون فکر میکنند وار کشور آزادی شدند و با خیال آسوده میگویند که چه هستند و بعد از آن با رفتار زننده دیگر پناهجویان روبرو می شوند و زندگی شیرینی را که انتظار آن را میکشیدند به تلخی تبدیل میشود

## مهاجرت سفری ناخواسته



پردل زارع



اند. در سال ۲۰۱۵ بیش از صدها هزار نفر از ساکنان کشورهای آفریقای و آسیایی در حال جنگ و کشورهای دیکتاتوری های توانسته اند که خود را به آن طرف مرزها برسانند و شانس اسکان در کمپ های پناهندگی کشورهای اروپایی پیدا کرده اند. کمپ های که زندگی در آنها عاری از مشکلاتی مانند نزاع، انتظار، دیپورتی، سردرگمی و بیماریهای روحی، روانی، جسمی و افسردگی نیست. این مشکلات برای پناهجویانی مانند فعالین عرصه های سیاسی و اجتماعی و جنبش های کارگری که توانسته اند خود را از جهنم کشورهای سرمایه داری و زیر سلطه حکومت های دیکتاتوری مانند ایران خلاص کنند و خود را به کشورهای اروپایی برسانند و تقاضای پناهندگی کنند دو چندان است. در این میان مشکلات زیادی برای پناهجویان مسلمانی که تازه به اروپا آمده اند به وجود آمده است. مانند ادغام در جامعه که هنوز نتوانسته اند خود را با آن و قوانین آزاد و سکولار اروپای همراه کنند. با گذشت نزدیک به دو سال از ورود مهاجران به اروپا تا به امروز جامعه اروپا نتوانسته است که با مهاجران تازه وارد ارتباط دوستانه ای برقرار کند، و در بعضی از کشورها مشکلاتی از قبیل به آتش کشیدن کمپ های پناهندگی و درگیری های فیزیکی با پناهجویان و درست کردن شایعات ضد پناهجویی به دست افراد و جریان های نژاد پرست و

زندگی در شرایطی امن و بدور از خشونت و ناامنی آرزوی هر انسانی است که از جنگ و جدال کشورهای بحران زده فرار کرده اند. برای خیلی ها این سفر تلخ و آوارگی از مبدا شروع شده است. با آغاز موج جدید پناهندگی به طرف اروپا در سال ۲۰۱۵ بسیاری از مردمان کشورهای آسیایی و آفریقای خود را به کشورهای اروپایی رسانده اند. و در شرایط جدیدی قرار گرفته اند. اما این آرزو برای خیلی ها به قیمت جانشان تمام شده است و بسیاری در این مسیر پر خطر جان خود را از دست داده اند. البته این موج آوارگی در عین حال برای قاچاقچیان و سوداگران جان انسان و باندهای مافیایی سودهای کلانی در بر داشته است. اما این سود به قیمت جان کسانی که سرزمین خود را به اجبار رها کرده و در آرزوی مکانی امن بودند تمام شده است. در این میان بسیاری هم با خروج از کشورهای که وضعیت اقتصادی و سیاسی بدی به سر می برند خود را به اروپا رسانده و شانسشان را به شروع یک زندگی جدید امتحان کرده

راسیست هر روز در صدر اخبار قرار گرفته است و این امر باعث بروز خشونت میان جامعه میزبان و میهمان شده است. بر همین اساس بیشتر کشورهای اروپای با سخت تر کردن قوانین پناهندگی دست به بازی نابرابری در مقابل مهاجران تازه وارد زده اند که از هر طرف به ضرر مهاجران است. در چند ماه گذشته بیشتر کشورهای اروپای با تغییر قوانین پناهندگی و امضا کردن قرارداد ما بین اتحادیه اروپا و افغانستان باعث دیپورت مهاجران افغانی به کشورشان شده است. با سخت تر شدن قوانین پناهندگی در کشورهای اروپای شانس پذیرفته شدن پناهجویان به عنوان شهروند اروپای کاهش یافته است. علاوه بر این مشکلات معضلات پناهنده گان به دلیل تصمیمات سخت گیرانه اتحادیه در بستن مرزهایش بر روی مهاجران و کمک به ترکیه بر کنترل مرزهایش در جلوگیری از موج مهاجرت به اروپای افرادی که همه زندگی خود را از دست داده اند دو چندان شده است. پناهندگی در هر کشوری حق هر انسانی است که به هر دلیلی جانش در خطر باشد و احتیاج به کمک داشته باشد. مهاجرت سفر ناخواسته ای است که انسانها را مجبور به ترک دیار و دوری از خانواده می کند. به امید روزی که همه مردم جهان در کشورهای آزاد خود به دور از هر نوع جنگ تنشی و با آرامش زندگی کنند که دیگر نه مرزی، نه دیواری و نه سفر ناخواسته ای وجود داشته باشد.

پردل زارع 23/1/2017



## اقتصاد بیمار در سایه اختلاس



آرام دل توانا



پیچیده و سخت شده است که افراد خواهان دریافت آن دچار سردرگمی می شوند و در بسیاری از موارد فرد به دلیل عدم توانایی در تهیه مدارک خواسته شده از طرف بانک قادر به دریافت وجه نمی باشد. با توجه به شرایط سخت بانکی که برای تامین بازپرداخت وام خواسته می شود جالب است که در چنین شرایطی افرادی قادر به دریافت وام های کلان زیر پوشش توسعه اقتصادی می شوند. لازم به ذکر است که بخشی از درآمد و نقدینگی بانک ها از اعطاء وام به بخش اقتصادی و بنگاه ها تامین می شود ولی این کار در شرایطی انجام پذیر است که بنگاه توان اقتصادی و برنامه مشخصی برای بازپرداخت آن داشته باشد.

در چند سال اخیر به دلیل رقابت های درون نظامی جهت دستیابی به منافع شخصی بارها مردم ایران واژه اختلاس را شنیده اند. که باعث مشکلات عدیده اقتصادی در جامعه شده است. در این مورد در ابتدا اختلاس را مورد بررسی قرار می دهیم. اختلاس به برداشت غیر قانونی اموال دولتی و یا غیردولتی که به دست کارمندان و کارکنان دولت یا وابسته به دولت صورت می گیرد گفته می شود. اختلاس گونه ای از کلاهبرداری محسوب می شود که بیشتر به صورت برنامه ریزی شده، منظم و پنهان و بدون رضایت و آگاهی دیگران صورت می گیرد. در فرهنگ معین اختلاس در لغت به معنای ربودن، زود ربودن و دزدیدن است و مالی را از محل غیرحرز و به طور مخفی ربودن آمده است.

بارها از رسانه ها رقم های نجومی مبنی بر اختلاس در ایران و اعتای وام های کلان به افراد که معمولاً به اسامی آنها اشاره ای نمی شود پرده برداشته است. پروسه دریافت وام های خرد به قدری

در سیستم حکومتی ایران که به وضوح فساد سیاسی شامل وضع قانون از جانب دولت و یا سوءاستفاده از آن جهت کسب مال نامشروع به اشکال رشوه، اخاذی، خویشاوندسالاری و اختلاس می باشد دور زدن این قوانین کار دشواری به نظر نمی رسد و کفایت که با داشتن رابطه های قوی و پرداخت رشوه های کلان به افراد کار به دست به پول و نقدینگی چشم گیری دست یافت. اگرچه هر از چندگاهی ارقامی نجومی مبنی بر اختلاس دستگاهها و افراد رسانه ای می شود ولی در عین حال بسیاری از موارد پنهان مانده و یا با سرپوش گذاشتن بر روی آنها از طرف

افراد ذینفع از رسانه ای شدن آن جلوگیری می شود و متأسفانه باز پس

گرفتن این سرمایه های ملی در حالی که از ابهام می ماند علاوه بر این رقم ها اموال و ثروت اندوزی افراد رده بالا نیز که از همین راهها به دست آمده و با در اختیار داشتن سرمایه های ملی هر روزه بر ثروت خود می

افزاینده تاثیرسوعی بر اقتصاد و شرایط رفاهی مردم گذاشته است.

بجز از بین رفتن سرمایه های ملی این اعمال ذکر شده تاثیرات بسیار مخرب دیگری بر شرایط اقتصادی و رفاهی مردم نیز دارد. همچنان که در ایران می بینیم نرخ بالای تورم و نرخ بیکاری به مقدار قابل توجه ای افزایش یافته است و به جای سرمایه گذاری ثروت در بخش های بنیادی جامعه که سود دهی عمومی داشته باشد و باعث اشتغال زایی و افزایش سطح رفاه اجتماعی شوند تاثیر سوء دارند و با متمرکز کردن ثروت در دست یک عده خاص باعث ایجاد بحران در جامعه شده اند. با جایگزین کردن سیستم نظارتی مناسب و مستقل و حذف خویشاوندسالاری در رده های مختلف و پاکسازی هرم کاربه دستان در سیستم اقتصادی کشور مسلماً می توان جلوی این موارد را گرفته و بسیاری دیگر از تخلفات را که در این سال ها مخفی مانده را آشکار کرد و با تزریق این سرمایه در بخش های مختلف و برنامه ریزی دقیق و اشتغال زایی حرکت مثبتی برای آینده اقتصادی و رفاه اجتماعی و کم کردن فاصله طبقاتی انجام داد. اگرچه زمان زیادی برای بهبود اقتصاد بیمار ایران لازم است.



سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - سوئد  
 Iranska Flyktingars Riksorganisation - Sveriges sektion



### جلسات هفتگی سازمان بیمرز در روزهای

دوشنبه ساعت ۶ عصر برگزار می شود. از همه  
 پناهندگان و علاقمندان به فعالیت در این عرصه  
 دعوت می شود که در این جلسات شرکت کنید.

International Organisation of Iranian Refugees  
 سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - بیمرز



تماس با سردبیر:

نشریه بیمرز، نشریه سازمان سراسری پناهندگان ایرانی است که در چهار جوب  
 اساسنامه آن عمل می کند و در تلاش است که مسایل و مشکلات پناهندگان و دلایل  
 خروج آنان از چنگال رژیم اسلامی را بررسی و مبارزه ای را برای رسیدن به  
 آزادی و برابری و سرنگونی جمهوری اسلامی ترتیب دهد.

برای ارسال مطالب خود به نشریه و همچنین ارائه نظرات و پیشنهادات خود با ایمیل

زیر در تماس باشید.

[BABAK.SARAJ@HOTMAIL.COM](mailto:BABAK.SARAJ@HOTMAIL.COM)

منتظر مقالات، نظرات و پیشنهادات شما هستیم.

تماس با واحدهای سازمان بیمرز

دبیر سراسری سازمان بیمرز

سعید آرمان

تلفن تماس: ۰۰۴۴۷۷۹۱۰۸۹۴۸۷

Adress: IOIR, BM BOX 2592,  
 London, WCIN 3XX, UK.

E-mail: saeed\_arman2002@yahoo.co.uk

دبیر واحد سراسری سوئد بیمرز

عباس رضایی

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۷۳۰۱۱۳۶

دبیر واحد استکهلم سازمان بیمرز

محمود محمد زاده

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۶۲۲۸۷۲۶

دبیر واحد گوتنبرگ

ابوبکر شریف زاده

تلفن: ۰۰۴۶۷۲۲۹۱۸۰۷۰

دبیر واحد شمال سوئد

محمد عابدیان

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۷۲۲۴۹۲۳۱